

تحلیل انتقادی انگاره‌های کتاب نقد قرآن پیرامون آیات فرهنگ زمانه

سیدمحمدجواد اسدی^۱، فرهاد محمدی نژاد^۲، رضاعلی کرمی^۳
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۸/۱۵ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱۲/۲۶)

چکیده

قرآن کریم کتاب اصلاح و هدایت است که با طراحی و نقل مؤلفه‌های فرهنگی، فرهنگ زمانه را از پیرایه‌های جاهلانه اصلاح نموده و به چالش کشیده است. هماهنگی و شباهت‌های قرآن با برخی از مؤلفه‌های فرهنگ زمانه مستمسک ناقد قرآن گشته و شاهدهی شده تا از محیط‌زدگی قرآن سخن گوید. این مقاله با بررسی خاستگاه اصلی پنداره دکتور سها، گونه‌های فرهنگ زمانه را به بحث می‌نشیند؛ و به این نکته می‌رسد که قرآن متأثر از فرهنگ زمانه نشده، بلکه طی مراحل آن‌را اصلاح نموده؛ قرآن فرهنگ برخاسته از جاهلیت را نکوهش و فرهنگ پیراسته از جاهلیت را می‌پذیرد و فرهنگ التقاطی زمانه را در مرحله اول پاک‌سازی و در مرحله دوم تثبیت و توسعه می‌بخشد. حاصل پژوهش حاضر آن است که نقل مؤلفه‌های فرهنگی فرهنگ زمانه در قرآن به معنای محیط‌زدگی قرآن نیست بلکه به معنای استخدام هوشمندانه صاحب وحی از فرهنگ زمانه جهت اصلاح فرهنگ می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: اثرپذیری قرآن، اصلاح فرهنگ، سها، فرهنگ التقاطی، فرهنگ زمانه.

۱. دانشجوی دکتری مدرسی قرآن و متون اسلامی دانشگاه پیام نور قم (نویسنده مسئول)؛

Email: asadi59hosna95@gmail.com

Email: f_mohamadinejad@yahoo.com

۲. استادیار گروه الهیات دانشگاه پیام نور البرز؛

Email: ra_karami@pnu.ac.ir

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه پیام نور تهران؛

مقدمه

تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ زمانه، شبهه‌ای کهنه و قدیمی و ریشه‌دار است که اولین بار توسط معاصران نزول مطرح شد و بعد از آن توسط مستشرقین آغاز شد [نک: ۹، صص ۱۰-۱۵]. اما امروزه تحت عنوان «فرهنگ زمانه»، از مسائل نوپدید در حوزه قرآن پژوهی شمرده می‌شود. این شبهه، فرازمانی و فرامکانی بودن قرآن را مخدوش می‌نماید و قرآن را به کتابی تاریخمند و زمانمند تبدیل می‌کند. فلسفه‌های غربی نیز از چند سده اخیر در فکر و ذهن اندیشمندان مسلمان تأثیر گذاشته است. شبهه انحصار آموزه‌های قرآنی به فرهنگ زمان نزول، یکی از نتایج همین فلسفه‌هاست. در این دیدگاه قرآن نسخه‌ای منحصر به مخاطب خود در همان مقطع تاریخی است که براساس عرف و آموزه‌های پذیرفته‌شده مردم زمانه‌اش فتوا صادر می‌کند و راه‌حل ارائه می‌دهد؛ این راه‌حل‌ها جهان‌شمول نیستند و فقط در عصر خود درمانگری می‌کند، با این اوصاف دیگر نمی‌توان احکام عملی و حتی راهکارهای فکری قرآن را برای همه جوامع توصیه کرد و آن‌را نسخه‌ای فرا فرهنگی دانست.

فضای مجازی نیز عرصه و میدان شبهاتی در این زمینه است. مقام معظم رهبری در رابطه با شبهات مجازی، آن‌ها را از دو جهت فرصت و از یک جهت خطر می‌داند: خطر از این جهت که ممکن است این شبهه‌ها در ذهن افراد اثر بگذارد؛ اما از دو جهت فرصت است: یکی اینکه ما مطلع می‌شویم چه شبهه‌ای وجود دارد، تا به کشف شبهات ذهنی افراد پی ببریم و فرصت دوم هم این است که از همین طریق می‌توانیم شبهه را ازاله کنیم [نک: خامنه‌ای، ۱۰۱ / ۱۳۹۶/۰۳]؛ در همین زمینه، اخیراً کتابی با عنوان «نقد قرآن»، توسط شخصی با نام دکتر سها در فضای مجازی منتشر شده است. مؤلف کتاب که نام مستعار برای خود برگزیده، در بخشی از کتاب، محیط‌زدگی قرآن را از خصوصیات قرآن، معرفی نموده و برای اثبات مدعای خود تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ زمانه را مدعی می‌شود. نشر گسترده کتاب مذکور در فضای مجازی و دست‌به‌دست شدن آن توسط جوانان، مخصوصاً دانشجویان، شبهاتی را برای آن‌ها ایجاد نموده که این موضوع لزوم پاسخگویی هرچه زودتر به این شبهات را مسلم می‌نماید.

پیشینه پژوهش

در حوزه مطالعات اسلامی برخی از پژوهشگران فارسی‌زبان با دلایلی متفاوت از

مستشرقین به این فرضیه معتقد شده‌اند؛ سید هدایت جلیلی در مقاله «وحی در هم‌زبانی با بشر و هم‌لسانی با قوم» [۱۲، ص ۴۳]؛ بهاء‌الدین خرمشاهی در مقاله «بازتاب فرهنگ زمانه در قرآن کریم» [۱۷، ص ۹۰]؛ و نیز عبدالکریم سروش به سبب محور قرار دادن شخصیت پیامبر اکرم(ص) در پدیده وحی و اعتقاد به تأثیرپذیری وی از فرهنگ زمانه، قرآن را متأثر از فرهنگ زمانه و به دنبال آن دین اسلام را متقدر به اقدار طبیعت می‌داند که غبار بشری بودن بر آن نشسته و در تنگناهای جهان مادی زندانی شده است [۳۱، ص ۲۰۵؛ ۳۲، ص ۵۵].

در دوران معاصر پژوهش‌های متعددی در موضوع قرآن و فرهنگ زمانه نگارش یافته و دیدگاه‌های مختلف درباره ارتباط قرآن و فرهنگ زمانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است؛ از جمله: کتاب «قرآن و فرهنگ زمانه»، اثر سید محمدعلی ایازی که از نظریه زبان قوم یاد کرده و آن را پذیرفته و دو نظریه بازتاب و تأثر از فرهنگ زمانه را رد کرده است [۳، ص ۶۳-۱۸۰]؛ بخشی از کتاب «شبهات و ردود» محمدهادی معرفت که به شبهات قرآن و فرهنگ زمانه پرداخته است [۴۷، ص ۱۱۰-۲۴۱] و همچنین کتاب «بررسی شبهات قرآن و فرهنگ زمانه»، اثر حسن‌رضا رضایی که به نقد ادله کلی مدعیان اثرپذیری مانند تجربه دینی و محال بودن ارتباط انسان با وحی می‌پردازد [۲۶، ص ۲۸-۳۵].

در خصوص پاسخ به شبهات دکتر سها نیز، ناصر مکارم شیرازی در کتاب «توطئه جدید» (۱۳۹۴)، محمدعلی رضایی اصفهانی در کتاب «بررسی مبانی کتاب نقد قرآن» (۱۳۹۵) و گروه عباد الرحمن از برادران اهل سنت در کتاب «کشف نیرنگ و رد بهتان در رد کتاب نقد قرآن» و نیز محمدباقر حیدری نسب در کتاب «دفاع از قرآن در رد کتاب نقد قرآن» به نقد کتاب «نقد قرآن» پرداخته‌اند. البته در کتب یاد شده اصلاً به شبهه اثرپذیری قرآن از فرهنگ زمانه پرداخته نشده و یا بعضاً به صورت جزئی مطرح شده است. پایان‌نامه‌هایی نیز در خصوص پاسخ شبهات دکتر سها تألیف و دفاع گردیده که عبارت‌اند از: «بررسی شبهات ناظر به انتساب صفت ظلم به خداوند در قرآن کریم» از سوی خانم سمانه تمیزی در سال ۱۳۹۵؛ «بررسی شبهات موهوم نظام طبقاتی قرآن» از سوی خانم مینا موسوی در سال ۱۳۹۵؛ «نقد شبهات ناظر برخی اشکالات ادبی در قرآن» از سوی خانم صدیقه فرهادیان در سال ۱۳۹۶؛ «نقد شبهات ناظر به آموزه‌های سیاسی و حکومتی قرآن و سنت پیامبر اکرم» از سوی خانم زینب عباسی‌زاده در سال ۱۳۹۵، «پاسخ شبهات خشونت‌طلبی پیامبر اکرم در قرآن کریم» از سوی خانم آرزو خواجه در سال ۱۳۹۵.

لازم به ذکر است که طی بررسی‌های انجام شده، در حال حاضر مقاله‌ای در رابطه با شبیهه اثرپذیری قرآن دکتر سها تألیف و چاپ نگردیده است؛ اما در رابطه با دیگر شبیهات دکتر سها مثل شبیهه هفت آسمان، شبیهه تعدد زوجات، شبیهه تناقض‌انگاری آیات پرسمان، شبیهه قرآن و علم و شبیهه انحصار علم ارزشمند در علوم دینی و شبیهه نسخ و شبیهه مربوط به آیات جنین‌شناسی، توسط برخی از قرآن‌پژوهان مقالاتی نگاشته شده است [۱۸؛ ۲۳؛ ۲۴؛ ۲۸؛ ۴۱؛ ۴۲؛ ۴۹].

پژوهش حاضر به لحاظ موضوع هرچند به نحو موجبه جزئیه با مسائل موضوعات پژوهش‌های مذکور اشتراک دارد، اما این پژوهش با ایده‌ای نو و ساختاری جدید، گونه‌های فرهنگ زمانه و مراحل اصلاح فرهنگ زمانه که برگرفته از آیه‌ی ۱۶۴ سوره آل عمران است را به بحث می‌نشیند و در خلال مباحث، فرضیه دکتر سها را نقادی می‌نماید؛ همچنین رویکرد انتقادی این پژوهش با نگاه فرهنگ‌آفرینی و تحول‌آفرینی قرآن هست که در پژوهش‌های معاصر در زمینه نقد این فرضیه کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

۱. مفهوم شناسی

۱.۱. فرهنگ

فرهنگ در زبان فارسی به معنای ادب، تربیت، علم و دانش و مجموعه آداب و رسوم و آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت [۱۹، ص ۲۲۷؛ ۳۸، ص ۷۶۹؛ ۴۸، ص ۸۴۵۲]؛ استعدادهای فکری و اخلاقی پرورش یافته به وسیله آموزش و ذوق اعتلا و گسترش پیدا کرده از راه تربیت فکری و زیباشناختی [۳۴، ص ۹۳۷] است؛ و معنای آن در کتب لغت عربی، برابر نماد آن «ثقافه» به معنای دقت نظر در درک محیط [۴۴، ج ۴، ص ۳۸۲]، مهارت، زیرکی و تیزهوشی است که ریشه آن «ثقف، ینثقف» (ماهر و حاذق شد) و «ثقف الشیء» (آن چیز را آموخت و درک کرد) می‌باشد [۲، ج ۲، ص ۱۱۱] و در ادبیات لاتینی "culture" به مفهوم پرورش نفس آمده و در زبان یونان باستان فقط مفهوم پرورش از آن استفاده می‌شود [۱۱، ص ۵۰].

تعریف فرهنگ در اصطلاح جامعه‌شناسان متعدد است که برخی چهارصد مورد برشمرده‌اند [۲۹، ص ۱۷]. تلقی غالب در تعاریف گوناگون آن است که فرهنگ، مجموعه‌ای است از آداب، رسوم، سنن، آیین‌ها و باورها [۵۱، ص ۳۱]، برداشت‌ها، موضع‌گیری‌های فکری، روابط حاکم اجتماعی [۴، ص ۱۰۴] و همه سازمایه‌های مادی و

معنوی زندگی اجتماعی که فرد انسانی در درون آن زاده و پرورده می‌شود [۵۳، ص ۱۹]؛ به عبارت دیگر، فرهنگ چهار عنصر واقعی و تغییرناپذیر عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادها را در بر می‌گیرد [۱۶، ص ۲۹] که از عناصر ریشه‌ای بینشی و ارزشی [۲۰، ص ۲۹] در چهار ساحت خدا، هستی، جامعه و انسان نهادینه شده و باعث شکوفایی حیات انسانی می‌گردد [۵، ص ۱۹]. ریشه‌های فرهنگ را می‌توان در نیازهای اجتماعی، ادیان و مذاهب و اقتباس از فرهنگ‌های دیگر جست‌وجو کرد، اما مذهب بالاترین سازنده فرهنگ اجتماعی است [۴۵، ص ۳۴]. با توجه به تعاریف ارائه شده از فرهنگ می‌توان گفت: «فرهنگ مجموعه ارزش‌ها، نمادها، هنجارها، بینش‌ها و آداب و رسوم یک ملت است که نسبت به آن پایبند بوده و به صورت علوم، عقاید، هنر، آداب و اخلاق، در فرد و جامعه نهادینه می‌شود و تعلیم و تربیت مقدمه آن است و به دلیل گوناگونی دیدگاه‌ها و رویکردها و حوزه‌های ملت‌ها، فرهنگ‌ها، متنوع و با یکدیگر متفاوت می‌باشند و می‌توانند بر یکدیگر اثرگذار باشند».

بنابراین آنچه در این مقاله از فرهنگ اراده می‌شود، عقاید و ارزش‌ها و آداب و رسوم مردم عصر نزول قرآن است که در شبه‌جزیره عربستان می‌زیستند و ما رفتارها و عقاید درست و نادرست آن‌ها را فرهنگ می‌خوانیم و از بازتابش و یا اثرپذیری آن در قرآن و همچنین فرهنگ‌آفرینی قرآن به‌عنوان سازنده فرهنگ اجتماعی بحث می‌نماییم.

۱.۲. زمانه

زمانه در لغت به معنای روزگار و دهر آمده است [۴۸، ص ۱۷۴۶] و در مباحثی که در این گفتار مطرح می‌شود به معنای زمان نزدیک به نزول قرآن است. اراده چنین معنایی از واژه زمانه، بدون هیچ توضیح و توصیفی، گرچه خالی از اشکال نیست؛ اما به جهت هماهنگی با مطالعه‌ها و نوشته‌های مربوط به این موضوع، ضروری می‌نماید.

۲. بررسی شبهات دکترسها

۱.۲. تحلیل شبهات دکترسها

چندی است کتابی با عنوان «نقد قرآن» توسط شخصی با نام مستعار دکترسها در فضای مجازی انتشار یافته است و در این کتاب سعی شده، قرآن را کتابی پر از اشکال معرفی کند.

دکتر سها در این کتاب که گفته شده، کامل‌ترین کتاب در زمینه نقد قرآن است [۲۵، ص ۲۰]، بسیاری از شبهات را در هزار صفحه در ۳۳ فصل در موضوعات مختلف ترسیم کرده؛ اما فصلی را مختص به مسائل فرهنگ زمانه به صورت اختصاصی قرار نداده است، بلکه در لابه‌لای شبهات طبقه‌بندی شده مسائل شبهات فرهنگی زمانه را به صورت القاء غیرمستقیم به مخاطبان خود با زبانی رسا تفهیم نموده است. از نظرگاه راقم این سطور، کانون تمام شبهات مطرح شده توسط ناقد قرآن به شبهه اقتباس قرآن از فرهنگ زمانه برمی‌گردد که توسط دکتر سها به صورت غیرمستقیم و بدون فصل‌بندی اختصاصی در همه فصول کتابش طراحی شده و ذهن مخاطبانش را مخدوش نموده است. تلاش ما در این گفتار این است که با زبان علمی سخنان ناقد قرآن را نقادی نماییم.

۲.۲. انگاره‌های دکتر سها

۲.۲.۱. انگاره غیر وحیانی بودن قرآن

از اصلی‌ترین انگاره‌های ناقد قرآن، غیر وحیانی بودن قرآن است. دکتر سها در قسمت‌های مختلف کتاب نقد قرآن، بر غیر الهی بودن قرآن اذعان دارد [۳۰، صص ۲۰۷، ۲۰۸، ۸۵۸، ۴۰۵، ۴۳۷، ۴۵۸، ۵۳۳، ۸۸۱]. وی قرآن را ساخته و پرداخته پیامبر (ص) می‌داند که به واسطه هوش و بلوغ فکری خود از فرهنگ زمانه اقتباس نموده است؛ «قرآن محصول زمان محمد است و همه مطالب آن را می‌توان در محیط عربستان و کشورهای مجاور یافت. البته محمد هوش و توان آن را داشته است که این‌ها را شنیده و به تدریج تحت عنوان قرآن جمله‌بندی کند» [۳۰، ص ۸۵۱].

۲.۲.۲. انگاره تناسب محتوای قرآن با فرهنگ زمانه

یکی از انگاره‌های دکتر سها در رابطه با قرآن و فرهنگ زمانه سطحی بودن محتوای قرآن است. سها در معرفی قرآن، محتوای قرآن را عوامانه و متناسب با فرهنگ زمانه می‌داند و در بحث کم محتوا بودن قرآن می‌نویسد: «قرآن کتابی با محتوای کم و سطحی است. به مطالب متنوع در سطح فهم عوام زمان محمد و محیط عربستان اشاره کرده، بدون استدلال مناسب و تعمق کافی. برای مثال وقتی از محمد پرسیده می‌شود که چرا ماه شکل‌های متعدد دارد؟ او در قرآن می‌گوید برای اینکه شما عدد سنین (سال‌ها) و حساب را داشته باشید. اگر امروز همین سؤال از یک دانش‌آموز هم پرسیده

شود، خواهد گفت: که چون قسمت‌های مختلفی از ماه به سمت خورشید است، ولی محمد اصلاً چنین چیزی را نمی‌دانسته است، بنابراین این جواب بسیار عوامانه را داده است» [۳۰، ص ۲۹].

۲.۲.۳. انگاره تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ زمانه

ناقد قرآن، قرآن را کتابی تأثیرپذیر از فرهنگ زمانه معرفی می‌کند و تأثیرپذیری و محیط‌زدگی را از ویژگی‌های آن تلقی کرده و برای اثبات مدعای خویش بت‌پرستی محیط مکه را شاهد ادعایش قرار داده و می‌گوید: «بت‌پرستی در محیط مکه بسیار رایج بوده است، در حالی که در ایران، خدای واحد پرستش می‌شد و در روم مسیحیت رایج بود. ولی محمد تحت تأثیر شدید محیطش، محور اصلی قرآن را مبارزه با بت‌پرستی قرار داده است. غافل از اینکه این‌همه بحث از بت‌پرستی به درد نقاط دیگر جهان و یا آینده بشریت نمی‌خورد» [۳۰، ص ۳۰].

۲.۲.۴. انگاره موقعیت‌مندی و تاریخ‌مندی قرآن

در سخنان ناقد قرآن، جمله‌ای مرتباً تکرار می‌شود «قرآن محصول فرهنگ زمان محمد است» و مراد او این است که متن قرآن زمانمند و تاریخ‌مند است. او می‌گوید: «در قرآن هیچ چیزی فراتر از تاریخ و جغرافیای آن زمان وجود ندارد. قرآن محصول مجموعه فرهنگی ۱۴۰۰ سال پیش مکه است» [۳۰، ص ۸۸۲]. وی برای اثبات تاریخ‌مندی قرآن، شواهدی از آیات تاریخی؛ آیات بردگی و احکام آن؛ احکام زنان؛ احکام برخورد با دشمنان و ماه‌های حرام ذکر می‌کند و این‌گونه استنباط می‌کند که پیامبر قادر نشده است، کتابی فرافرنگی و همگانی بیاورد [۳۰، ص ۳۱].

۲.۲.۵. انگاره اقتباس از فرهنگ زمانه

۲.۲.۵.۱. اقتباس مفاهیم طبیعی قرآن از فرهنگ علمی زمانه

ناقد قرآن در بخش خطاهای علمی، با استناد به آیات و روایاتی، به نقد آیات مربوط به طبیعت پرداخته و آن‌ها را اشتباه علمی دانسته که پیامبر از فرهنگ علمی زمانه اقتباس کرده [۳۰، صص ۴۰-۲۰۷]. «مفاهیم آسمان‌های هفت‌گانه، عرش، کرسی، لوح، فلک و دو مشرق و دو مغرب که در قرآن آمده‌اند، همگی در دوران جاهلیت رایج بوده‌اند. مفهوم

رانده شدن شیاطین و جنیان توسط شهاب‌های آسمانی در هنگام گوش دادن به اسرار آسمان‌ها که در قرآن آمده است، نیز در جاهلیت رواج داشته است» [۳۰، ص ۸۰۹].

۲.۲.۵.۲. اقتباس مفاهیم اعتقادی قرآن از ادیان فرهنگ زمانه

دکتر سها توحید و قیامت را که از مباحث اصلی و اعتقادی قرآن است را نیز برگرفته از فرهنگ ادیان فرهنگ زمانه می‌داند. وی می‌گوید: «در بین اعراب جاهلی انواع ادیان مثل حنفی و یهودی و مسیحی و بت‌پرستی و خورشیدپرستی و صابئه و دهریه و ستاره‌پرستان و غیره وجود داشتند. حنفیون به توحید و معاد اعتقاد داشتند و خدای جهان را خدای واحد قادر، عالم، حکیم می‌دانستند. خدایی با صفاتی مشابه آنچه در اسلام آمده است. اعتقاد به ملائکه و جن و غول و شیطان نیز در اعراب رایج بوده که به اسلام راه یافته است. بر این اساس محمد بنیان‌گذار توحید و معاد نبوده است، بلکه آن‌را از محیطش گرفته و وارد اسلام کرده است» [۳۰، ص ۸۱۱].

۲.۲.۵.۳. اقتباس احکام اسلامی از فرهنگ زمانه

از نظر ناقد قرآن احکام اسلامی از محیط عربستانی گرفته شده است احکامی مثل خرید و فروش، رهن، اجاره، قرض و ربا، ازدواج، طلاق، طلاق ثلاث، ایلاء وظهار و عده نگه‌داشتن زن بعد از مرگ شوهر [۳۰، ص ۸۱۲]، «احکام قضایی اسلامی که عمدتاً بسیار خشونت‌آمیزند، نیز در عربستان و هم در تورات وجود دارند. مثل رجم و بریدن دست و قصاص و امثالهم» [۳۰، ص ۸۱۲].

۲.۲.۵.۴. اقتباس عبادات اسلامی از فرهنگ زمانه

دکتر سها در بخش منابع قرآن جهت اثبات بشری بودن قرآن، عبادت‌های اسلامی مثل نماز و روزه و حج را از مفاهیم عبادی فرهنگ زمانه می‌داند که پیامبر (ص) از محیطش اقتباس کرده است. وی می‌گوید: «عبادات مختلف مثل نماز و روزه و حج نیز در محیط عربستان و بعضی در کتب یهود وجود داشته که با تغییراتی وارد اسلام شده است» [۳۰، ص ۸۱۳].

۲.۲.۳. بررسی خاستگاه اصلی انگاره‌های دکتر سها

مستند اصلی تمام انگاره‌های دکتر سها که منتج به محیط‌زدگی و تاریخ‌مندی و

تأثیرپذیری و اقتباس قرآن از کتب مقدس می‌گردد؛ وجود شباهت‌ها و همانندی‌هایی میان آموزه‌های قرآنی و فرهنگ زمانه است که نمونه‌های آن را با مستمسک قرار دادن آن‌ها در جای‌جای کتاب نقد قرآن مشاهده می‌کنیم. با تبیین گونه‌های فرهنگ زمانه و گونه‌های تعامل قرآن با آن، این همانندی‌ها موجه گشته و شیرازه فرضیه تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ زمانه، گسسته می‌گردد. بررسی و تبیین خاستگاه اصلی پنداره دکتر سها به معنای نقد ریشه‌ای فرضیه تأثیرپذیری و ابطال آن است. اکنون پس از بررسی انگاره‌های دکتر سها در جهت نقد ریشه‌ای آن‌ها به تبیین شباهت‌های قرآن و فرهنگ زمانه می‌پردازیم و در خلال آن به نقد برخی از شبهات مصداقی تأثیرپذیری از فرهنگ زمانه خواهیم پرداخت.

۳. تبیین شباهت‌های مؤلفه‌های فرهنگی قرآن و فرهنگ زمانه

۳.۱. گونه‌های فرهنگ زمانه

فرهنگ زمانه را می‌توان بر سه بخش تقسیم نمود: ۱. **بخش فرهنگ جاهلیت**: بخش اعظم فرهنگ زمانه که ریشه در جهالت و نادانی و خرافات و گمراهی مردمان عصر نزول داشت؛ ۲. **بخش فرهنگ دینی**: بخش دینی فرهنگ زمانه که میراث ادیان آسمانی و تعالیم پیامبران پیشین بود؛ ۳. **بخش فرهنگ مبتنی بر عقل و فطرت**: که از خرد خردمندان و از عواطف پاک انسانی و عقل جمعی و وجدان بیدار و فطرت الهی جمع محدودی از مردمان عصر نزول نشأت گرفته بود.

۳.۱.۱. فرهنگ برخاسته از جاهلیت

قسمت اعظم از فرهنگ زمانه را فرهنگی تشکیل می‌داد که جهالت و گمراهی خصوصیت اصلی آن بود. دیدگاه کلی قرآن درباره فرهنگ زمانه حاکی از نارضایتی قرآن از این فرهنگ است. قرآن ابعاد جاهلانه بودن فرهنگ زمانه را با پندارهای جاهلانه «ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةَ» [آل عمران: ۱۵۴]، داوری‌های ناآگاهانه «حُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ» [المائدة: ۵۰]، خودنمایی‌های نفهمیده «تَبَرَّجَ الْجَاهِلِيَّةِ» [الاحزاب: ۲۲]، دلبستگی‌های نسنجیده «حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ» [الفتح: ۲۶]، به تصویر می‌کشد و این فرهنگ را فرهنگ ضلالت و گمراهی [آل عمران: ۱۶۴؛ الجمعة: ۲]، فرهنگ سقوط و هلاکت [آل عمران: ۱۰۳]، فرهنگ بی‌خبری و غفلت [الانعام: ۱۵۶] و فرهنگ قیدوبند و محدودیت [الاعراف: ۱۵۷]، معرفی می‌نماید و با شکل‌ها و بیان‌های مختلف به نکوهش و سرزنش مؤلفه‌های جاهلی که از

جاهلیت آنان ریشه گرفته می‌پردازد؛ مذمت از رویگردانی از پرستش خداوند [العنکبوت: ۶۱]، بی‌توجهی جاهلانه به مالکیت خداوند [المؤمنون: ۸۴ و ۸۵]، گلابی افسون شدن آنان در برابر باطل [المؤمنون: ۸۸ و ۸۹]، نکوهش شفاعت بت‌ها [یونس: ۱۸]، رد مالکیت شفاعت غیر خدا [الزخرف: ۸۶]، ملامت مشرکان در پرستش معبودهایی که عاجز از آفرینش‌اند [یونس: ۳۴]، نکوهش معبودهایی که عاجز از رهنمایی‌اند [یونس: ۳۵]، رد فرزندکشی از بیم فقر و تهی‌دستی [الانعام: ۱۵۱؛ الاسراء: ۳۱]، رد دخترگریزی و زنده به گور کردن دختران [النحل: ۵۸ و ۵۹]، رد رسم جاهلانه معاوضه همسران [النساء: ۱۹]، نکوهش زنا‌ی دوران جاهلی [الانعام: ۱۵۱]، محکوم کردن رسم ازدواج با زنان ثروتمند به طمع تصاحب ثروت آنان [النساء: ۱۹]، رد رسم ممنوعیت ازدواج زن مطلقه [البقره: ۲۳۲]، انتقاد از تحت فشار قرار دادن زنان جهت بخشش مهریه هنگام طلاق [النساء: ۱۹]، رد رسم جاهلی ایلاء [البقره: ۲۲۶ و ۲۲۷]، رد رسم جاهلی اظهار [الاحزاب: ۴]، رد حبس یک ساله زنان شوهرمرده [البقره: ۲۳۴]، تحریم ازدواج با دو خواهر [النساء: ۲۳]، رد پنداره ممنوعیت ازدواج با پسرخوانده پس از طلاق همسر [الاحزاب: ۳۷]، رد ممنوعیت ارث زنان [النساء: ۱۱ و ۱۲].

بنابراین قرآن عقاید فرهنگ جاهلیت را رد کرده و تحت تأثیر باورهای باطل عرب جاهلی قرار نگرفته و از آن منفعل نشده است؛ در صورتی که دکتر سها مفهوم رانده شدن شیاطین و جنیان توسط شهاب‌های آسمانی در هنگام گوش دادن به اسرار آسمان‌ها که در قرآن آمده را جزء خطاهای علمی قرآن می‌داند که در فرهنگ جاهلیت فرهنگ زمانه رواج داشته و وارد قرآن شده است [۳۰، ۹۹]؛ اما **اولاً**: قرآن با خرافات و باورهای باطل عرب جاهلی همراهی نکرده [۳۶، ج ۲، ص ۴۱۲] و هیچ باطلی را به مطابقت و یا به تضمن و التزام ابقا نکرده و یا آنکه بدون ابطال، آن را نقل ننموده است، به همین دلیل هرگاه در موعظه و یا جدال احسن به اشارت و یا تمثیل سخنی گوید هرگز به التزام باطلی را تأیید نمی‌کند [۱۳، ص ۱۲۰]. **ثانیاً**: آیات قرآن از مسائل غیبی درباره شهاب‌ها پرده برداشته و دستاوردهای علمی ناظر به مسائل ظاهری پدیده‌های جوی است و منافاتی میان این دو عرصه وجود ندارد [۳۵، ج ۲۵، ص ۱۲۷] و همچنین مباحث مربوط به شیاطین چیزی نیستند که علوم تجربی بتواند در مورد آن سخن بگوید، زیرا علوم تجربی توانایی اظهارنظر درباره مسائل غیبی را ندارد [۳۳، ج ۸، صص ۲۲۹-۲۳۰] **ثالثاً**: رانده شدن شیاطین و جنیان توسط شهاب‌های آسمانی یک تمثیل قرآنی از باب تمثیل

معقول به محسوس است؛ مراد از آسمان، عالم ملکوت است و مراد از نزدیک شدن شیطان‌ها به آسمان و استراق سمع و به دنبالش، هدف شهاب‌ها قرار گرفتن، این است که شیطان‌ها می‌خواهند به عالم فرشتگان نزدیک شوند و از اسرار خلقت و حوادث آینده سر درآوردند و ملائکه هم ایشان را با نوری از ملکوت دور می‌سازند و یا مراد این است که شیطان‌ها خود را به حق نزدیک می‌کنند تا آن‌را با تلبیس‌ها و نیرنگ‌های خود به صورت باطل جلوه دهند و یا باطل را با تلبیس و نیرنگ به صورت حق درآورند و ملائکه رشته‌های آن‌را پنبه می‌کنند و حق صریح را هویدا می‌سازند، تا همه به تلبیس آن‌ها پی برده، حق را حق ببینند و باطل را باطل [۳۶، ج ۱۷، صص ۱۲۴-۱۲۵].

فرهنگ بت‌پرستی نیز یکی از نمونه‌های این‌گونه از فرهنگ زمانه است که قرآن کریم با آن برخورد نکوهشی داشته است؛ ملامت معبودهایی که عاجز از آفرینش‌اند [یونس: ۳۴]، اثبات ناتوانی بت‌ها [الحج: ۷۳]، نکوهش دنباله‌روی از معبودهایی که توانایی راهنمایی به سوی حق را ندارند [الحج: ۳۵]، نکوهش پرستش بت‌های بی‌اراده و بی‌اختیار [الحج: ۱۲].

ناقد قرآن نیز مبارزه قرآن با فرهنگ بت‌پرستی فرهنگ زمانه را شاهدهی برای تأثیرپذیری از محیط فرهنگ زمانه می‌داند که محور اصلی قرآن را تشکیل می‌دهد و به درد دیگر نقاط جهان و آینده بشریت نمی‌خورد [۳۰، ص ۳۰] و حال آنکه **اولاً**: محور اصلی قرآن دعوت به پرستش خداوند و رد هرگونه پرستش به غیر از خدای واحد است. در واقع محور اصلی قرآن، مبارزه با اصل شرک در همه اشکال آن است و مبارزه با بت‌پرستی فقط یکی از وجوه آن می‌باشد [۲۵، ص ۳۲۲] که به عنوان یک مصداق آن مطرح بود و **ثانیاً**: بت‌پرستی یک مفهوم عام است که در هر زمان مصداقی دارد و قرآن به همه اشکال بت‌پرستی در آینده اشاره و هشدار داده است؛ سرزنش خواندن معبودهای دیگر در کنار خدا [القصص: ۸۸]، سرزنش پرستش کسی که معبودش هوای نفس اوست [الجاثیه: ۲۳] سرزنش پرستش شیطان [یس: ۶۰]، سرزنش پرستش طاغوت [الزمر: ۱۷].

در جمع‌بندی این بحث به این نتیجه می‌رسیم که قرآن با این‌گونه از فرهنگ زمانه برخورد نکوهشی داشته و به رد عناصر جاهلانۀ آنان می‌پردازد که این برخورد قرآن دال تأثیرگذاری بر فرهنگ زمانه است نه تأثیرپذیری.

۳.۱.۲. فرهنگ پیراسته از جاهلیت

بخشی محدود از فرهنگ زمانه را فرهنگی تشکیل می‌داد که از جهالت و گمراهی و

بی‌خردی عرب جاهلی ریشه نگرفته بود، بلکه ریشه در خرد و عقل جمعی و عواطف و احساسات پاک انسانی، وجدان بیدار و فطرت خداوندی آن‌ها داشت یا ریشه در ادیان توحیدی پیشین که تحریف نشده بودند داشت. قرآن با این بخش از فرهنگ زمانه یعنی فرهنگ دینی که جاهلیت و تحریف و نسخ در آن راه نیافته و فرهنگ مبتنی بر فطرت و عقل، برخورد پذیرشی داشته و مؤلفه‌های آن‌ها را تأیید نموده است [۲۷، ج ۴، صص ۶۳-۷۹؛ ۲۲، ص ۸۶]؛ تأیید اصل وجوب حج و دستور انجام آن [آل عمران: ۹۷]، تأیید اعتقاد به مبدأ و خالقیت که یکی از آموزه‌های اعتقادی عرب جاهلی بود [العنکبوت: ۶۱-۶۳]، تأکید بر اجرای وفای به عهد [الاسراء: ۳۴]، تأیید امانت‌داری و نشانه‌ای از ایمان [المؤمنون: ۸].

تأیید مؤلفه‌های دینی فرهنگ زمانه در قرآن، دستاویز ناقد قرآن گشته و به دلیل شباهت‌های قرآن با کتب مقدس، قرآن را متنی مقتبس از ادیان فرهنگ زمانه پنداشته است [۳۰، صص ۸۱۱-۸۱۳]؛ در صورتی که شباهت‌های قرآن و تورات و انجیل، بر اساس صلاح‌دید خداوند حکیم صورت گرفته و با نسخ شریعت موسی (ع) و عیسی (ع) در قرآن کریم انعکاس یافته است؛ زیرا قرآن مصدق و تأییدکننده کتب پیشین «نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ» [آل عمران: ۳] و جداکننده حق از باطل «مَنْ قَبْلُ هَدَى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ» [آل عمران: ۴] می‌باشد. جوادی آملی، فرقان و مصدق بودن قرآن نسبت به کتب پیشین را این‌چنین تبیین می‌کند، وی می‌نویسد: «مطالب تورات و انجیل فعلی چند دسته‌اند: برخی ساخته دست بشر و برخی دیگر حقی نسخ شده است، مانند بعضی از احکام فقهی و فرعی؛ و بخش دیگر حاوی اصول دین و پاره‌ای از احکام فرعی است. قرآن کریم اولاً: روشن می‌کند که کدام مطلب از ناحیه خداست و کدام از ناحیه تحریف بشر و هر یک را از دیگری جدا می‌سازد. ثانیاً: روشن می‌کند که کدام قسمت، اختصاص به شرایع سابق دارد و اکنون نسخ شده و کدام غیر منسوخ است و در موارد منسوخه، فقط ایمان به نزول آن‌ها را لازم می‌داند؛ برخلاف موارد غیر منسوخه که هم ایمان به نزول و هم عمل به آن‌ها لازم است. ثالثاً: دسته سوم را که حاوی اصول دین و برخی از احکام فرعی است، از نظر ایمان و اعتقاد و علم و عمل تأیید می‌کند، از این‌رو قرآن نه تنها مصدق کتب پیشین است، بلکه نسبت به آن‌ها فرقان نیز هست» [۱۴، ج ۱، ص ۲۸۸].

بنابراین اقتباس برخی از احکام و عبادات و عقاید از کتب دینی فرهنگ زمانه که دکتر سها بازتاب آن‌ها را در قرآن به معنای تأثیرپذیری تلقی نموده [۳۰، صص ۸۱۱-

[۸۱۳] مردود است؛ زیرا **اولاً**: قرآن تصدیق‌کننده اصول دین و برخی از احکام فرعی غیر منسوخه و جداکننده مطالب حق و ناحق و موارد منسوخه و غیر منسوخه از کتب پیشین است و **ثانیاً**: امضای مؤلفه‌های دینی فرهنگ زمانه دال بر انتخاب‌گری و فعال بودن قرآن است و همین انتخاب‌گری و فعال بودن قرآن دلیل بر استقلال و عدم تأثیرپذیری آن است [۴۳، ص ۲۴۲]. **ثالثاً**: قرآن بسیاری از عقاید و سنت‌های مسیحی و یهودی فرهنگ زمانه را تصحیح و رد می‌کند و این دلیل آشکاری است بر عدم تأثیرپذیری قرآن از کتاب مقدس، چرا که در این صورت قرآن دچار تناقض درونی می‌شد، به این معنا که از یک طرف از روایت‌های کتاب مقدس تأثیر می‌پذیرفت و از طرف دیگر آن‌ها را تصحیح و یا رد می‌کرد [۵۲، صص ۲۱-۲۳]. در نتیجه شباهت‌های قرآن با برخی از آموزه‌های کتب مقدس حاکی از درون‌مایه‌های مشترک ادیان الهی است که از یک مبدأ واحد سرچشمه گرفته است [۵۰، صص ۲۸-۳۵].

۳.۱.۳. فرهنگ التقاطی

این قسمت فرهنگ زمانه، باورها و رفتارهایی است که از تعالیم پیامبران پیشین و یا رهیافت‌های عقل سالم و فطرت بیدار سرچشمه گرفته و به نادانی و نابخردی دوران جاهلی آلوده گردیده است؛ التقاط‌هایی از درست و نادرست و آگاهی و ناآگاهی [۲۱، ص ۲۰۱] که موردپذیرش قرآن قرار نمی‌گیرد؛ قرآن با این فرهنگ التقاطی برخورد اصلاحی دارد؛ بخش جاهلانۀ آنکه به دلیل فترت و دوری از تعالیم انبیای الهی، خرافات و عناصر باطل به تدریج در فرهنگ آنان رسوخ کرده بود [۲۶، ص ۲۲] را حذف و بخش صحیح آنکه ریشه در ادیان الهی و فطرت و طبیعت آن‌ها داشته را می‌پذیرد. قرآن در برخورد اصلاحی با فرهنگ زمانه از واژگان رایج استفاده ابزاری کرده و فرهنگ زمانه را اصلاح و تربیت نموده و فرهنگ محاوره‌آنان را که با مبانی و اهداف رسالت قرآن منافات ندارد را پذیرفته است که این موضوع یعنی پذیرش فرهنگ محاوره‌ عصر نزول لزوماً به معنای پذیرش فرهنگ آنان نیست، بلکه از باب مجازات در استعمال [۴۷، صص ۱۱۳-۱۱۰] است که امری رایج در کاربرد واژگان رایج در عرف هر زبان است و اختصاص به قرآن و مردمان عصر نزول ندارد.

بنابراین قرآن کتابی فرهنگ‌ساز است که به اصلاح فرهنگ جامعه عصر نزول پرداخته و جامعه عرب معاصر را جامعه نمونه و مثل و پایگاه شکل‌دهی امت اسلامی

قرار داده است و در ضمن اصلاح فرهنگ زمانه، با همه مردم در هر طبقه و گروه فرهنگی و در هر برهه و عصری با زبان فطرت با آن‌ها سخن گفته است. بر این اساس شاهد ظهور مباحث و مسائل و پرسش‌های مردم مکه و مدینه در قرآن هستیم در حالی که این‌گونه آیات مستمسک مؤلف نقد قرآن گردیده و از آن محیط‌زدگی قرآن را استنتاج می‌نماید. وی معتقد است: بخش عمده قرآن، پاسخ به حوادث روزمره محیط مکه و مدینه است و این‌گونه وانمود می‌کند که قرآن بر محور شخص پیامبر(ص) و محیطش شکل گرفته و فایده‌ای برای دیگر اعصار ندارد [۳۰، ص ۳۸]. این سخن به ادله زیر نادرست است؛ زیرا **اولاً**: اسباب نزول به‌عنوان شواهد بیرونی و زمینه‌های نزول آیات به عنوان قراین حالی به فهم آیات کمک می‌کند و اگر سبب را همان‌گونه که همه مفسران معتقدند به معنای زمینه نزول بگیریم، هیچ تلازمی با تأثیرپذیری قرآن از واقعیت‌های زمانه ندارد [۳۷، ص ۱۷۶]. ادعای دکترا سها در صورتی صحیح است که اسباب نزول در کیفیت نازل شده دخیل باشد، نه صرف زمینه برای آن و این هرگز لازم ضروری شأن نزول یا سبب نزول نیست، پس در واقع اسباب نزول، بیان نزول و زمینه نزول هستند، نه دلیل نزول و همچنین اسباب نزول ابزار تخصیص هم نیستند، زیرا با الغای قیود زمانی و مکانی که در اصل حکم دخیل نیست، احکام کلی قابل استخراج است و بر طبق قاعده‌ای که بر اساس احادیث شیعه و سنی از قدیم مطرح بوده، سبب نزول موجب تخصیص عموم الفاظ نمی‌شود [۳۹، ج ۲، ص ۳]. **ثانیاً**: اسباب نزول ذیل آیه یا آیات در صورتی که متواتر و قطعی‌الصدور باشد و با مضمون آن آیه یا آیات سازگار باشد، به گونه‌ای مطرح شده است که اصل جاودانگی و پیام عمومی قرآن را مورد انکار قرار نداده و پیام وحی را به موضوعی خاص در مکان و زمانی خاص محدود نکرده است [۱۰، ص ۲۸]. **ثالثاً**: احکام اسلامی از نوع قضایای حقیقیه وضع شده‌اند؛ یعنی طبیعت اشیاء را در نظر گرفته و روی طبیعت حکم برده شده است، نه به نحو قضایای خارجی و جزئی که با انعدام فرد یا جزء راه دستیابی به حکم مسئله مشکل می‌شد [۴۶، ص ۱۴]؛ بر این اساس دلالت الفاظ و آیات الهی از مرتبه حوادث جزئی و خاص فراتر می‌رود و مفسر را گاه از طریق الغای قطعی خصوصیات زمان و مکان یا از طریق تناسب حکم و موضوع و تحلیل زبانی به روح آیه می‌رساند که پیراسته از زمان و مکان است. **رابعاً**: پیام‌های موجود در این دسته از آیات همانند سایر آیات دارای پیام‌های ابدی و جهان‌شمول‌اند و از مقاصد و اهداف صاحب وحی به حساب می‌آیند. همچنین با تأویل

آیات مخصوص معاصران نزول بر عمومیت و شمول و جاودانگی قرآن تأکید می‌شود؛ راهی که برای پل زدن به جاودانگی پیموده می‌شود، به جری و تطبیق و معانی بطنی در کنار معانی ظاهری نامبرده شده است [۷، ص ۸۹]. بر همین اساس اسباب نزول نقش قرائن منفصله را در کلام خدا دارند. قرآن پدیده‌ای گفتاری، تربیتی و ناظر به اصلاح فرهنگ زمانه در مرحله اول و دیگر انسان‌ها و فرهنگ‌ها در مرحله بعد است. این مبانی ایجاب می‌کند که گوینده به سطح و عمق نیاز معاصران نزول توجه کند و ناظر به وقایع و نیازهای فرهنگی عصر نزول، آیات را نازل فرماید [۷، ص ۲۸۱].

۲.۳. مراحل اصلاح فرهنگ التقاطی

قرآن کتابی است که داعیه‌دار هدایت است «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» [النحل: ۸۹]؛ زیرا آیاتش آشکارکننده حقیقت و رهنمای به‌سوی رستگاری است؛ راه راست را نشان می‌دهد و به‌سوی آن راهنمایی می‌کند؛ و هدف نزولش خروج مردم از ظلمات به نور بیان شده است: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» [ابراهیم: ۱].

یکی از مفسران معاصر، قرآن را دستورنامه عملیات تغییر از وضع نامطلوب (تاریکی‌ها) به‌سوی نور و هدف آن را تغییر و تحول انسان می‌داند. وی می‌گوید: «تأمل در آیه اول سوره ابراهیم روشن می‌کند که تغییر و تحول در فرهنگ جاهلی معاصر نزول و تبدیل آن به فرهنگ نورانی قرآنی، از راه توجه به سه مؤلفه شکل می‌گیرد: فرهنگ جاهلی که باید افول کند؛ فرهنگ اسلامی که باید تعالی یابد و تواناسازی مربی به‌عنوان محور تعالی» [۸، ص ۱۴۰؛ نک: ۶، ج ۱، صص ۲۲-۲۳].

بنابراین هدف اصلی نزول قرآن بدون پرداختن به فرهنگ زمانه و اصلاح آن و تخریب باورهای نادرست جاهلانه و متعصبانه آن، محقق نمی‌شد؛ قرآن در حالی که با مخاطب عصر نزول سخن گفته با تمام بشر به گفت‌وگو نشسته است و در این گفتار تربیتی - هدایتی، فطرت بشر را به‌عنوان زبان عمومی همه انسان‌ها به کار گرفته و ثابت‌های تربیتی خود را در کنار متغیرهای مخصوص به عرب معاصر نزول بیان کرده است [۸، ص ۱۰۶].

خداوند منان در آیه ۱۶۴ سوره آل عمران پس از منت نهادن بر مؤمنین، هدف از بعثت رسولش را تلاوت آیات و تزکیه مردم و تعلیم کتاب و حکمت معرفی می‌کند: «لَقَدْ

مَنْ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» [آل عمران: ۱۶۴].

یکی از مفسران معاصر قرآن، منظور تزکیه در آیه شریفه را زدودن پوچ‌گرایی و خرافه‌پرستی و ردایل اخلاقی و انحطاط اعتقادی فرهنگ زمانه می‌داند؛ همچنین در تفسیر تعلیم حکمت؛ بازگویی شرایط و موانع و جزئیات و کیفیات احکام توسط پیامبر(ص) را حکمت می‌شمارد وی می‌گوید:

«رسول اکرم (ص) برای هدایت مردم آیات الهی را بر آنان تلاوت و فراخور فهم آن‌ها برای برخی از آنان ظواهر آیات آن و برای بعضی باطن آن‌را تفسیر و تبیین و به مدد وحی قدسی شرایط، موانع، جزئیات و کیفیات احکام الهی را بازگو می‌کرد که حکمت به شمار می‌روند و به صورت مطلق و کلی در قرآن آمده‌اند. براین اساس، ذکر «حکمت» بعد از «کتاب» در این آیه، از قبیل خاص بعد از عام مطلق است. در ترکیب ذکر این آیه، تعلیم پس از تزکیه آمده است؛ لکن هدف اصلی از تلاوت و تعلیم، تزکیه و تهذیب است و بر همین اساس، حضرت رسول (ص) مردم را از خرافه‌پرستی و پوچ‌گرایی می‌رهاند و از ردایل اخلاقی و انحطاط اعتقادی پاک و زمینه طهارت و نزاهت جان آنان را فراهم می‌آورد» [۱۵، ج ۱۶، ص ۲۱۶].

تقریر مراحل اصلاح فرهنگ زمانه بر اساس آیه شریفه بدین گونه است که در لسان قرآن، خداوند رسولی را از میان مردم برای اصلاح فرهنگی به‌عنوان مصلح اجتماعی مبعوث نمود؛ در مرحله اول به پاک‌سازی عناصر منفی «یزکیهم» و در مرحله دوم؛ شاکله و قالب عناصر مثبت فرهنگ التقاطی که هماهنگ با فطرت انسانی و باقیمانده از ادیان پیشین بود را تثبیت نمود و با تبیین فلسفه و جزئیات و شرایط و مقررات کیفیات احکام، مؤلفه‌های بخش دینی و مطابق با عقل و فطرت فرهنگ زمانه را توسعه بخشید «ويعلمهم الكتاب والحكمة».

حج نمونه عالی از فرهنگ التقاطی است که اصلاح و ویرایش آن، بازتاب گسترده‌ای در ده‌ها آیه قرآنی دارد و عدم تبیین بازتاب آن در قرآن سبب تقویت شبهه تأثیرپذیری ناقد قرآن می‌گردد، به همین جهت مراحل اصلاح آن‌را بررسی می‌نماییم.

۱.۲.۳. فرهنگ حج در قرآن

حج نمونه عالی و چشمگیر فرهنگ التقاطی فرهنگ زمانه است که بازتاب گسترده و

وسیع‌تری در قرآن یافته است در واقع بزرگ‌ترین نماد دین‌گرایی و مذهبی مردمان عصر نزول اعمال و مناسکی بود که به‌عنوان حج انجام می‌شد [۲۱، ص ۲۰۱]. وجود شباهت‌های زیادی بین حج اسلامی و حج جاهلی باعث شده تا ناقد قرآن، مناسک حج را متأثر از فرهنگ زمانه تلقی نماید [۳۰، ص ۸۱۴].

ویر در مقاله «جاهلیت» در کتاب *دائرةالمعارف الاسلامیه* می‌نویسد:

«محمد حج به سوی مکان‌های مقدس را در جان عرب‌ها، ریشه‌دار یافت؛ بدان گونه که توان مقابله با آن را نداشت؛ نهایت کاری که می‌شد انجام داد، آن بود که از خانه‌های پرستش جز یک خانه که آن را یگانه خانه خدا قرار می‌داد، خانه پرستش دیگری باقی نماند» [۵۴، ص ۲۶۷].

۲.۲.۳. مرحله پاک‌سازی مؤلفه‌های جاهلانۀ حج

قرآن مجید در اولین مرحله اصلاحی خود به پاک‌سازی حج که آیینی ابراهیمی بوده اقدام نمود و تمام پیرایه‌های مشرکان و جاهلان را از حج زدود و آن‌ها را نکوهش نمود؛ نکوهش رسم جاهلی نسئ [التوبه: ۳۷]، نکوهش رسم دوری از توشه‌گیری برای حج [البقره: ۱۹۷]، نکوهش رسم ورود به خانه‌ها در حال احرام [البقره: ۱۸۹]، نکوهش طواف به‌صورت عریان [الاعراف: ۲۸]، نکوهش کف زدن و سوت کشیدن در هنگام طواف به‌عنوان نماز [الانفال: ۳۵]، نکوهش پنداره ممنوعیت خرید و فروش در ایام حج [البقره: ۱۹۸]، نکوهش تحریم خوردنی‌ها [الاعراف: ۳۲]، نکوهش دعای عرب‌های جاهلی در ایام حج [البقره: ۲۰۰]، نکوهش ایده نیازمندی خدا به قربانی [الحج: ۳۶ و ۳۷]، نکوهش بت‌پرستی در حج [الحج: ۷۳].

۳.۲.۳. مرحله تثبیت و توسعه مؤلفه‌های اصیل اسلامی

قرآن مجید در این مرحله پس از پاک‌سازی آیین ابراهیمی از مؤلفه‌های مشرکانه و جاهلانۀ، اصالت و شکل اصلی این آیین را که بر اثر گذر زمان خارج‌شده بود تثبیت نمود و با قوانین و مقررات و مناسک آن‌را توسعه بخشید؛ تأیید، تقدس، عظمت و زیارت مکه [آل عمران: ۹۶؛ الحج: ۲۶]، تأیید امنیت حرم [البقره: ۱۲۶]، تعیین زمان‌های خاص حج [البقره: ۱۹۷]، تعیین ماه‌های قمری جهت مواظبت حج [البقره: ۱۸۹]، استطاعت شرط وجوب حج [آل عمران: ۹۷]، لزوم پوشیدن لباس هنگام حج‌گزاری [الاعراف: ۳۱]، تأیید

سعی صفا و مروه و شمردن آن‌ها در زمرة شعائر الهی [البقره: ۱۵۸]، وقوف در عرفات [البقره: ۱۹۸]، تعیین قانون عمره و حج تمتع [البقره: ۱۹۶]، وجوب حلق بعد از تقدیم قربانی در منا [البقره: ۱۹۶]، تغییر قبله از مسجدالاقصى به سمت کعبه بعد از پاک‌سازی کعبه از مظاهر شرک (البقره: ۱۴۴)، یاد خدا در حج [البقره: ۲۰۰].

دکتر سها در بخش منابع قرآن، حج را به‌عنوان شاهد مثالی مبنی بر اقتباس قرآن از فرهنگ دینی فرهنگ زمانه معرفی می‌کند و یکی از منابع قرآن را کتب دینی فرهنگ زمانه می‌داند که پیامبر اکرم(ص) از کتب دینی و محیطش اخذ کرده و وارد قرآن کرده است [۳۰، صص ۸۰۷-۸۱۳] در حالی که حج آیین ابراهیمی بوده که از برخی از آیات قرآن [آل عمران: ۹۶] و احادیث [۴۰، ج ۴، ص ۱۸۷]، استفاده می‌شود که خانه کعبه، اولین عبادتگاه بشر بوده است و حضرت آدم آن‌را بنیان‌گذاری کرد و حضرت ابراهیم و اسماعیل آن‌را بازسازی و تکمیل کرد [البقره: ۱۲۷]. البته قرآن مراسم ابراهیمی فرهنگ زمانه را پذیرفته و در مرحله اول مؤلفه‌های جاهلانۀ آن‌را پاک‌سازی کرده و در مرحله دوم شکل اصلی این آیین را تثبیت و توسعه بخشید.

بنابراین وجود مؤلفه‌های دینی فرهنگ زمانه در قرآن از مقولۀ تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ زمانه شمرده نمی‌شود، بلکه از وحدت جوهری شرایع آسمانی حکایت دارد.

نتیجه‌گیری

۱. قرآن کتابی است برگرفته از علم ازلی الهی و تنزل یافته از آنکه از هیچ کتابی اقتباس نشده، محتوا و مفاهیم و الفاظ آن وحیانی است و هیچ امر خرافی و باطل از فرهنگ زمانه را تأیید نکرده است.

۲. وجود تشبیهات و تمثیلات فرهنگ زمانه در قرآن به معنای تأثیرپذیری و تأیید مؤلفه‌های غلط و خطاهای علمی زمانه نیست، بلکه به معنای استخدام هوشمندانه صاحب وحی از فرهنگ زمانه جهت اصلاح فرهنگ است.

۳. قرآن ناظر بر فرهنگ زمانه است، نه متأثر از آن؛ زیرا کلام وحیانی است نه بشری و دلیل فرضیۀ دکتر سها مبنی بر تأثیرپذیری قرآن به دلیل بشری پنداشتن قرآن از سوی اوست.

۴. کاریست واژگان رایج فرهنگ زمان در قرآن، لزوماً به معنای پذیرش فرهنگ زمانه نیست؛ بلکه می‌توان صرفاً از باب مجازات در استعمال باشد که امری رایج در کاربرد واژه‌ها در همه زبان‌ها است.

۵. قرآن متن ناظر به واقع است، لکن درواقع ماندگار نمی‌شود، بلکه واقع بهانه و ضرب‌المثل قرآن را تشکیل می‌دهد. قرآن ناظر به فرهنگ زمانه نازل شده است (نزول تاریخی) و بر اساس قاعده جری و تطبیق و تأویل، دیگر انسان‌ها و فرهنگ‌ها تطبیقات قرآن به شمار می‌آیند (حضور فراتاریخی).

۶. قرآن به دلیل الهی بودن متن خود و رسالت جهانی‌اش در حالی که با مخاطب فرهنگ زمانه خود سخن گفته، با تمام بشر گفتگو نموده است. قرآن در این گفتار تربیتی - هدایتی، فطرت بشر را به‌عنوان زبان عمومی همه انسان‌ها و فرهنگ‌ها به کار گرفته و ثابت‌های تربیتی خود را در کنار متغیرهای مخصوص به فرهنگ زمانه بیان کرده است؛ بنابراین زبان قرآن، زبان فطرت است و مخاطب آیات آن فطرت بشر است نه انسان‌های عرب جاهلی.

۷. قرآن کتابی نیست که متأثر از فرهنگ زمانه خویش باشد، بلکه ناظر به فرهنگ زمانه نازل شده و به مناسبت زندگی با مردم، فرهنگ آنان را اصلاح نموده است و سر نزول تدریجی قرآن نیز همین است؛ لذا در قرآن با متن معرفتی یا دستوری و قانونی مواجه نیستیم که بدون اشاره به خارج، مجموعه‌ای از قضایای قدیمی را بیان کرده باشد؛ بلکه متن قرآن متنی ناظر به واقع است. خداوند حکیم با توجه و نگاه به فرهنگ زمانه و در ضمن اصلاح و تربیت آنان، معارف و قوانین عام و جامع و جهان‌شمول خود را بیان کرده است. مثل قرآن در شیوه بیان، شبیه تمرین قاعده‌های ریاضی و ادبی در متون آموزشی است. مسائل و تمرین‌های درس، محصل را برای فهم راه حل قاعده‌ای که به وسیله‌اش این مسائل حل می‌شود، توانا می‌سازد؛ در غیر این صورت، نفس مسئله آورده شده در تمرین، اصالت ندارد.

۸. قرآن همانند نامه سرگشاده‌ای می‌ماند که در حالی که با مخاطبان خاص عصر نزول سخن گفته و فرهنگشان را اصلاح نموده، اما تمام مردم و تمام فرهنگ‌ها را به‌عنوان مخاطب عام مورد خطاب قرار داده و با آن‌ها گفتگو کرده است؛ بنابراین برخلاف ادعای دکتر سها قرآن، کتابی فرا فرهنگی و همگانی است و پیام‌های جاودانه آن، در تمام اعصار ساری و جاری است.

۹. قرآن به براندازی فرهنگ برخاسته از جاهلیت اقدام نموده و با آن مبارزه کرده و همواره به نکوهش و رد آن پرداخته و فرهنگ پیراسته از جاهلیت را تأیید و امضا نموده و فرهنگ التقاطی زمانه را طی مراحل اصلاح کرده است.

۱۰. مشابهت‌های میان قرآن با تورات و انجیل نشانگر یکی بودن خاستگاه ادیان توحیدی است که صاحب وحی با حکمت خویش، حقایقی از اصول ثابت و تغییرناپذیر ادیان الهی را در قرآن مطرح و تصدیق نموده است، نه بیانگر اثرپذیری آیین و کتاب متأخر از دین و کتاب متقدم.

منابع

- [۱]. قرآن کریم.
- [۲]. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۰۸). لسان العرب. بيروت، دار إحياء التراث العربی.
- [۳]. ایازی، محمدعلی (۱۳۷۸). قرآن و فرهنگ زمانه. رشت، کتاب مبین.
- [۴]. باهنر، محمدجواد (۱۳۷۱). فرهنگ انقلاب اسلامی. بی‌جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- [۵]. بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۸۸). درآمدی بر اصول تحول فرهنگی. قم، بوستان کتاب.
- [۶]. ----- (۱۳۹۰). همگام با وحی؛ تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول). قم، تمهید.
- [۷]. ----- (۱۳۹۲). تفسیر تنزیلی؛ مبانی، اصول، قواعد و فواید. تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- [۸]. ----- (۱۳۹۳). مهارت‌های بیان تفسیر سوره‌های قرآن کریم. قم، تمهید.
- [۹]. بدوی، عبدالرحمن (۱۳۸۳). دفاع از قرآن در برابر آرای خاورشناسان. مترجم: حسین سیدی، مشهد، به نشر.
- [۱۰]. پیروزفر، سهیلا؛ مهدوی راد، محمدعلی (۱۳۸۸). «روایات اسباب نزول و مسأله جاودانگی قرآن». علوم قرآن و حدیث، سال چهل و یکم، شماره ۱.
- [۱۱]. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳). فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو. تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۱۲]. جلیلی، سید هدایت (۱۳۷۳). «وحی درهم زبانی بشر و هم لسانی با قوم». مجله کیان، شماره ۲۳.
- [۱۳]. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۳). شریعت در آئینه معرفت. قم، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- [۱۴]. ----- (۱۳۷۸). تفسیر موضوعی قرآن کریم. قم، مرکز نشر اسرا.
- [۱۵]. ----- (۱۳۸۸). تسنیم - تفسیر قرآن کریم. قم، مرکز نشر اسرا.
- [۱۶]. حسن پور، محمد (۱۳۸۶). پژوهشی در فرهنگ عمومی. رشت، بلور.
- [۱۷]. خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۴). «بازتاب فرهنگ زمانه در قرآن کریم». مجله بینات، شماره ۵.
- [۱۸]. خیرالهی، زهرا؛ رضایی، حسین (۱۳۹۷). «بررسی انتقادی شبهات کتاب نقد قرآن، پیرامون آیات مربوط به جنین‌شناسی». پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال پنجاه و یکم، شماره دوم.

- [۱۹]. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۵). لغت‌نامه. تهران، دانشگاه تهران.
- [۲۰]. ذوعلم، علی (۱۳۹۲). فرهنگ معیار از منظر قرآن کریم. قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- [۲۱]. رستمی، حیدر علی (۱۳۹۲). پژوهشی در نسبت میان قرآن و فرهنگ زمانه. قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- [۲۲]. ----- (۱۳۸۹). «قرآن و فرهنگ زمانه». فصلنامه مطالعات تفسیری، سال اول، شماره ۴.
- [۲۳]. رضایی، حسین؛ میرعرب، فرج‌الله (۱۳۹۸ الف). «بررسی شبهات دکتر سها در مورد هفت‌آسمان در قرآن کریم». تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال شانزدهم، شماره ۳.
- [۲۴]. ----- (۱۳۹۸ ب). «بررسی شبهات دکتر سها درباره تعدد زوجات در قرآن کریم». فصلنامه مطالعات علوم قرآن، دوره اول، شماره ۱.
- [۲۵]. ----- (۱۳۹۸ پ). عرصه سیمرغ؛ پاسخی قاطع به شبهات کتاب نقد قرآن سها. قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- [۲۶]. رضایی، حسن رضا (۱۳۸۳). بررسی شبهات قرآن و فرهنگ زمانه. قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- [۲۷]. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۳). منطق تفسیر قرآن. قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- [۲۸]. ----- ؛ راهی، علی محمد (۱۳۹۵). «بررسی شبهات قرآن و علم و شیوه برخورد با آن‌ها با تأکید بر نظریات معرفت و دکتر سها». عیون، سال سوم، شماره ۵.
- [۲۹]. روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۹). زمینه فرهنگ شناسی. تهران، انتشارات عطار.
- [۳۰]. سها (۱۳۹۱). نقد قرآن. ویرایش اول، www.azadieiran2.wordpress.com.
- [۳۱]. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۷). قبض و بسط تنویریک شریعت. تهران، موسسه فرهنگی صراط.
- [۳۲]. ----- (۱۳۷۹). بسط تجربه نبوی. تهران، موسسه فرهنگی صراط.
- [۳۳]. شنقیطی، محمدامین (۱۴۱۵). اضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن. بیروت، دارالفکر.
- [۳۴]. صدری، افشار و همکاران (۱۳۸۲). فرهنگ معاصر فارسی. تهران، فرهنگ معاصر.
- [۳۵]. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۵). الفرقان فی تفسیر القرآن. بیروت، موسسه الوفاء.
- [۳۶]. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- [۳۷]. عرب صالحی، محمد (۱۳۹۱). مسئله وحی: با نگاهی به مکاتبات آیت‌الله سبحانی و دکتر سروش. تهران، اندیشه جوان.
- [۳۸]. عمید، حسن (۱۳۷۴). فرهنگ عمید. تهران، امیرکبیر.
- [۳۹]. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق). تفسیر عیاشی. تهران، انتشارات المکتبه الاسلامیه.
- [۴۰]. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی. تهران، دارالکتب الاسلامیه.

- [۴۱]. محمدی نژاد، فرهاد؛ رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ آقایارلو، حسین (۱۳۹۸). «تناقض نمایی آیات پرسمان گناهکاران در قرآن کریم». دو فصلنامه علمی مطالعات قرآن و حدیث، دوره ۱۳، شماره ۱.
- [۴۲]. محبوبی، ایرج؛ رستمی، حیدر علی؛ زاهدی، عبدالرضا (۱۳۹۶). «انحصار علم ارزشمند در علوم دینی و بی‌ارزش تلقی شدن علوم تجربی». پژوهش‌های علم و دین، سال هشتم، شماره ۲.
- [۴۳]. مسعودی، سعید (۱۳۹۱). قرآن و فرهنگ زمانه. قم، بوستان کتاب.
- [۴۴]. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- [۴۵]. مطهری، مرتضی (بی‌تا). مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی. قم، انتشارات صدرا.
- [۴۶]. ----- (۱۳۶۸). اسلام و مقتضیات زمان. قم، انتشارات صدرا.
- [۴۷]. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۲). شبهات و ردود حول القرآن الکریم. قم، موسسه التمهید.
- [۴۸]. معین، محمد (۱۳۷۹). فرهنگ فارسی. تهران، امیرکبیر.
- [۴۹]. میر عرب، فرج‌الله؛ رضایی، حسین (۱۳۹۹). «بررسی مستندات حدیثی دکتر سها برای اثبات نسخ نافی و حیانت قرآن». فصلنامه مطالعات علوم قرآن، سال دوم، شماره ۱.
- [۵۰]. ماسون، دنیز (۱۳۸۵). قرآن و کتاب مقدس: درون‌مایه‌های مشترک. مترجم: فاطمه سادات تهامی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- [۵۱]. نایینی، علی محمد (۱۳۸۸). درآمدی بر مدیریت فرهنگی. تهران، ساقی.
- [۵۲]. نیورت، آنجلیکا (۱۳۸۶). «شکل و ساختار قرآن». مترجم: محمدجواد اسکندرلو، قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۳.
- [۵۳]. ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۷). فرهنگ و تمدن اسلامی. قم، دفتر نشر معارف.
- [۵۴]. ویر (بی‌تا). «الجاهلیه». دائرة المعارف الاسلامیه، لبنان، دارالمعرفه.